

هفت سال با

«سلام صبح بخیر»

زندگی کردم

گفتگو با جواد آتش افروز

تعامل پریشانی جامعه و رسانه را در همه اجزا یادآوری می‌کرد. کلمات باید دیگر گونه می‌شد و شنیدنی و آهنگ حرکت می‌بایست نسبت خود را با هر لحظه مردم می‌یافت. موسیقی، رنگ آمیزی و نشاط خود را پیدا می‌کرد و به نهیج ضروری دوره خود پاسخ می‌گفت.

جواد آتش افروز ثابت کرد برای ارتباطی بی‌واسطه، می‌شود جور دیگری حرف زد. رادیو فقط یک کلیشه تکرارده، رادیو یعنی درک نیاز، میل و مصالحت هر لحظه مخاطبان.

شیوه اجرای او آنچنان مؤثر افتاد که هنوز فراوانند گویندگانی که رمز موفقیت خود را در تقلید از او می‌دانند. هر چند مثل دیگری شدن در رسانه امری خطاست. بسیاری از گویندگان توانای امروز در رادیو و تلویزیون موفقیت‌های خود را مدیون دوره‌ای کوتاه در برنامه‌سازی مشترک با هستند. شیوه تهیه جواد آتش افروز که به سایر برنامه‌ها نیز منتسب یا موضوعشان توسط خود او راه یافت برای بسیاری راهگشا شد. او هر وقت برنامه‌های ساخته است، دربرخیز از تکرار و کلیشه‌های منسوخ، به جستاری تازه اندیشید، و تقیابی نو بر ارخان آورده است. این همه تحسین فراهم آمده در ذهن و زبان و عمل همکاران و مخاطبان. متأثر از فهم دقیق و ذوق سرشار او در کنار با ابزار رسانه است. او حرفه خود را خوب می‌شناسد و با جسارت که از ضروری‌ترین آنهاست، مبدع شیوه‌های مؤثرتری در برنامه سازی بوده است.

او حتی در تلویزیون نیز همان همین ویژگی‌ها را در خود داشته است. برنامه‌های نا هشت و نیم با طبیعت، خانه‌ای برای همه، تعطیلات و... هر کدام در شیوه‌های آغازگر و درخشان و خاطره‌انگیز برده‌اند. به همه این ویژگی‌ها باید توجه و آراست و تواضع را نیز افزود؛ تحمل همه آنچه همگی می‌شناسیم، اولویتش مخالفت برخی دوستان بهتر از جامان است با هر چه بوی نازکی بدهد و جواد آتش افروز مجموعه‌ای از همه این بی‌مهری‌ها را به‌خود دیده است.

سرمایه اصلی همه رسانه‌ها نیروی انسانی خلاق و هوشمند آن رسانه است. و مسلماً موفقیت یک رسانه در به کارگیری، هدایت و جذب رضایت برترین‌های این عرصه‌است. موضوعی که به هر دلیل و بهانه‌ای در رادیو و تلویزیون ما تقریباً هیچ گاه عمل نشده است. پس تقریباً موفقیت چنانی هم در کار نبوده است. «استثنا هیچ وقت قاعده نیست.»

در طی سالهای گذشته هیچ جریان ثابت و هدفمندی حتی در یک دوره کوتاه متقاعدکننده ما در بهره‌گیری سازمان از توانایی چهره‌های ارزشمند و درخشان رسانه‌ای نیست.

رسانه‌ای که فاقد توانایی برای آموزش نیروهای مورد نیاز خود است، بالطبع می‌بایستی آنتی را که با تکیه بر ذوق و خرد انگیزها و توانایی‌های شخصی، ظهوری بی‌پدیل داشته‌اند حرمت نهد و برساند نشاند. بر این امر لازم و مبارک بهره‌های فراوانی مترتب است و در تقلت از آن نیز خسارت‌های بیشمار. و بر این هر دو امر همگی واقفیم. با این حال اما هم چنان متحمل نادرستی نانی از بی‌مهری و قدر نداشتی می‌توانیم دیدی‌های مستتر هستیم. بی‌تابانه امیدوارم کسی بیاید و بگوید این چنین نیست و بر مدعای خود لاف‌لاقی چند جمله‌ای بگوید. با تأسف و شرمنازی اما نگارنده نمونه‌های فراوانی از عدم بهره‌گیری رسانه از نیروهای توانمند خود سراغ دارد کاشی همه قصه همین می‌بود. گفتم آدم فکرمی کند اصلاً تعمدی است او تاراندن و آزرده و مطهر شمرده شده‌های نادر بهره رسانه‌ای.

جواد آتش افروز از جمله نوادر دوران ما است. با سلیقه‌های نابینا که در رادیو و تلویزیون به عنوان مجری و تهیه‌کننده، تأثیر فرابنده او در تغییر ساختار برنامه‌ها موجب جهشی بی‌نظیر در تحول رادیو شده که هم چنان محسوس و باقی است.

در سال‌های اولیه بعد هشت که رادیو از حیث شکل و شمایل به شدت درجانی زد برنامه «سلام صبح بخیر» برای جامعه نیازمند تحرک و در حال تقاضا، تلاه‌دار خوش‌آهنگ تغییر شد. این برنامه یک پلر دیگر ضرورت

○ هنوز هم رادیو گوش می‌کنید؟ اطلاعاتی می‌گیرم.

□ بله.

□ خیلی رادیو پیام، داستان شب و ○ آیا رادیو گوش دادن شما، به شما مربوط می‌شود یا به خود رادیو؟ گاهی هم از فرستنده‌های مختلف، نسبت ده سال پیش، کمتر شده است؟

□ به وقت نداشتن من مربوط می‌شود.

○ آیا کار تلویزیونی برای شما وقتی باقی می‌گذارد؟

□ کارهای تلویزیونی هم ممکن است باعث بشود که آدم به رادیو کمتر گوش بدهد ولی، الان مشغله‌ام زیاد شده‌است. قبلاً بیشتر به رادیو گوش می‌کردم، چون جزو کارم بود و خودم هم برنامه می‌ساختم، برنامه‌های دیگران را هم گوش می‌کردم که بدانم کی، چه کار کرده، اما الان وضع این طور نیست.

○ الان هم با همان انگیزه گوش می‌کنید یا این که انگیزه‌تان تغییر کرده؟

□ در حال حاضر انگیزه گوش دادنم، علاوه به رادیوست.

○ به نظر شما رادیو الان هم جذاب است؟

□ چون آدم با رادیو احساس رفقت بیشتری می‌کند و رادیو هم برای او تکلیف معلوم نمی‌کند پس با رادیو راحت‌تر است.

○ این حس شمامست یا فکر می‌کنید احساس همه مردم هم همین طور است؟

فکر می‌کنم وقتی

که آدم از رادیو فاصله

می‌گیرد، برای بازگشت

دوباره حتماً باید با یک

طرح تازه، فکر تازه و

فضایی تازه کار کند. در غیر

این صورت کار، کسالت آور

خواهد بود.

□ به نظرم رادیو این حس را برای همه به وجود می‌آورد.

○ آیا کار کردن در تلویزیون برای شما جذاب‌تر است یا در رادیو؟

□ کار در تلویزیون برای من حسنی داشت و آن یاد گرفتن نکاتی بود که مرا

در ساختن برنامه‌های رادیویی بسیار کمک می‌کرد؛ یعنی وقتی کسی،

هم تجربه کار رادیویی دارد و هم تلویزیونی، می‌تواند برنامه رادیویی

بهتری بسازد و ساختار برنامه‌اش بهتر باشد. شاید به این دلیل که آدم

تصویری تر فکر می‌کند و می‌تواند برنامه را طوری بسازد که با تخیل

شوند، بهتر در ارتباط باشد.

○ حالا که شما، هم تجربه کار تلویزیونی دارید و هم رادیویی، کدام

یک برای شما جذابیت بیشتری دارد؟

□ هر کدام جاذبه‌های خاص خودش را دارد.

○ اگر شما را محدود کنند بین انتخاب تلویزیون یا رادیو، آن وقت کدام را انتخاب می‌کنید؟

□ رادیو را انتخاب می‌کنم، چون در آن کار، تسلط بیشتری دارم. کار ساده‌تری است و نیاز به این همه هماهنگی و امکانات فنی ندارد. کار در

تلویزیون به عوامل بیشتری نیاز دارد در حالی که من در رادیو می‌توانم خودم به

تنباهای یک برنامه خوب بسازم. سال‌ها قبل در کیش یک رادیوی تک تفری

وجود داشت که من خودم در آنجا کار گویندگی، تهیه کنندگی و صدا برداری

را انجام می‌دادم و این کار به راحتی انجام می‌شد و خیلی خوب بود آن

رادیو، رادیوی خوبی بود و خیلی از قواعد دست و پاگیری که ما الان در

رادیو داریم، در آنجا وجود نداشت و بسیار ارتباط صمیمی و خوبی با

مخاطب برقرار می‌کردیم.

○ فکر می‌کنید الان هم انرژی

سال‌های قبل را داشته باشید؟ □ نمی‌دانم، ولی فکر می‌کنم باید اتفاقی بیفتد تا انرژی لازم برانگیخته



عوض کنند و برنامه دلچسب و خوبی ایجاد شود. آن برنامه خیلی خیلی جدی و خشک بود ولی برنامه ما توانست پک فضای پر انرژی و مفرحی را در سی دقیقه ایجاد کند. برنامه خرد شده بود به

می توانست بسیار خوب پیش برود، ولی ناتمام ماند.

○ **مؤثرترین و مهم ترین برنامه رادیویی که تا به حال ساخته اید، چه بوده؟**

شود. اگر فرصتی به دست بیاید تا آدم تجربه جدیدی را در رادیو به دست بیاورد، حتماً انرژی لازم هم آزاد خواهد شد. مهم جرقه اولیه است ولی اگر قرار باشد کارهای خیلی تکرار شود، نه اصلاً انرژی سابق را ندارم.

○ **چرا؟**

□ فکر می کنم وقتی که آدم از رادیو فاصله می گیرد، برای بازگشت دوباره حتماً باید با یک طرح تازه، فکر تازه و فضایی تازه کار کند، در غیر این صورت کار، کسالت آور خواهد بود. من برای آخرین تجربه رادیویی ام که برنامه «صبح روز تعطیل» بوده این فضای تازه را داشتم و برای اولین بار بود که میکس کامپیوتری را در منزل تجربه می کردم. کار بسیار خوب و جالبی بود و استفاده از کامپیوتر، امکان بسیار خوبی بود تا فضاهای تازه ای را ایجاد کنیم؛ امکاناتی که روی میز صدا وجود ندارد. کامپیوتر به آدم این امکان را می دهد که به تخمکش نزدیک تر بشود.

○ **پس شما فکر می کنید که به نسبت سیستم های صوتی معمول، کار با کامپیوتر برای شما راحت تر است؟**
□ البته بستگی به حس و حال فرد تهیه کننده دارد. برای بعضی ها کار در استودیو راحت تر است. به نظر من کامپیوتر کاملاً در بسته و مربوط به خود شخص است؛ یعنی کسی نیست که بگوید وقت تمام شده، بنابراین هورقت که حوصله دانشی کار می کنی و محدودیتی برای کار وجود ندارد. برای این است که به نظر من بسیار امکان خوبی است.

○ **چرا به این کار ادامه ندادید؟**
□ برنامه هایی که به این شیوه ساخته می شد، دچار اشکالات اداری شد و لذا کار قطع شد. هر چند

بازها و بارها به خاطر بعضی از سرودها و موسیقی ها جریمه و توبیخ شدم و بعد از مدتی همه آن موسیقی ها آزاد شد و همه از آن استفاده کردند.

بخش های کوچک تری مانند، خبرهای ترافیکی، موضوع هنگی، تلفن های مردم، مصاحبه با مردم، گفت و گو با مسئولان و ...

زمانی که تا به برنامه از سی دقیقه به چهل و پنج دقیقه افزایش پیدا کرد، بخش های دیگری هم به آن اضافه شد. ریمت برنامه هم، با توجه به وضعیت حرکتی مردم، تند بود.

○ **شما چه طوره به این فضا رسیدید که مثلاً آن طور حرف بزنید و از آن موسیقی ها استفاده کنید؟ آیا لحظه ای بود یا از قبل به این موضوع فکر کرده بودید؟**

□ این از ابتدا در ذهن خود من بود که برنامه خاص صبح، باید پر انرژی باشد، لذا حس و حال خود صبح و بخش های مختلف و تعیین وقت برای آنها و موسیقی هایی که پیش می شد، تهیه و همه دست به دست همدیگر داد و برنامه سرعت گرفت.

○ **ولی شما در همین برنامه از مشکلات و گرفتاری های مردم هم حرف می زدید؟ این از نشاط و انرژی برنامه کم نمی کرد؟**

□ نه چون در قالبی بودند که آزار دهنده نبود، یعنی آن مشکلات در قالب و فضایی طرح می شدند که مردم فکر می کردند مشکلی است که باید حل

□ «سلام صبح بخیر»؛ این برنامه، هم برای مردم جذاب و مهم بود و هم برای خودم. من در آن دوران با آن برنامه زندگی می کردم، از شروعش تا پایانش.

○ **چند سال طول کشید؟**

□ تقریباً هفت سال.

○ **علت موفقیت آن برنامه چه بود؟**

□ این که همان حس و حالی که من داشتم، به شنونده منتقل می شد.

○ **فکر اولیه «سلام صبح بخیر» مال چه کسی بود؟**

□ آقای ابلیخی و آقای پورمحمدی کسانی بودند که به من بسیار کمک کردند؛ یعنی دست من را باز می گذاشتند و وقتی می دیدند با دادن مسئولیت به من، نتیجه خوبی می گیرند، این کار را می کردند.

○ **حرف ها و طرح های اولیه را به یاد می آوری؟ قرار بود چه کار بکنید؟**

□ این برنامه در زمان خودش، قرار بود صبح یا نشاطی برای مردم فراهم کند؛ فکر می کنم قبل از این برنامه، برنامه های با نام «مردم و مسئولان» یا برنامه ای شبیه آن پیش می شد که موضوعش گفت و گو با مسئولان در سراسر نطقه برنامه های اقتصادی یا اجتماعی دولت بود. پس از مدتی خواستند که شکل آن برنامه را

شود و این اصلاً آزار دهنده نبود. به هر صورت ما فکر کردیم که گفتن این موضوعات در این برنامه خاص صبح، چیزی از نشاط برنامه کم نمی کند بلکه باعث می شود که مردم با دقت بیشتری به این برنامه توجه کنند. اگر هر انتقادی را به شکل درستی مطرح کنیم، دیگر کسالت آور و ناراحت کننده نخواهد بود چون به هر حال این مشکلات هستند و باید برای آنها راه حل پیدا کرد.

○ آیا غیر از شما کسانی بودند که در این برنامه کار می کردند؟

□ خیلی ها در این برنامه کار کردند؛ مثلاً آقای غفاری، آقای شهرپاری، آقای شجاعی مهر که از ابتدا قرار بود ایشان گوینده برنامه باشند ولی بعد از تغییراتی، قرار شد آقای صارمی گوینده برنامه باشند که بعداً ایشان هم در آخرین دقائق نیامدند و صبح روز شنبه کسی نبود که برنامه را اجرا کند و مجبور شدم خودم کار گویندگی برنامه را هم به عهده بگیرم. از آن موقع خودم هم تهیه کننده بودم هم سردبیر و هم گوینده برنامه.

○ شما قبل از برنامه «سلام صبح بخیر» سابقه چنین کاری را داشتید که همه این مسئولیت ها را به عهده بگیرید؟



□ بله در مرکز مشهد تمام کارها را خودم می کردم؛ مثلاً نمایش نامه را می نوشتم، تهیه می کردم، گوینده و تهیه کننده و گزارشگر برنامه ها هم خودم بودم و حتی در سال های اirtour هم بودم. به هر حال این کار برای من، کارسختی نبود و در عین حال به دلیل تأثیر زیادی که «سلام صبح بخیر» در جامعه داشت به این کار عشق داشتم. برنامه ای بود که حرفش تأثیر گذار بود؛ از هر کس دعوت می کردم با دل و جان به برنامه می آمد و حتی به یاد دارم که زمانی پخشنامه کرده بودند که وزرای کابینه حتماً برنامه سلام صبح بخیر را گوش کنند، چون مسائل و مشکلاتی در آن مطرح می شد که اگر آنها گوش می کردند هم می توانست کمکی باشد به رفع مشکلات مردم و هم آنها می توانستند از مسائل روز با معلوم نمایی کسند پس با رادیو راحت تر است.

برنامه فوق العاده تأثیر گذاری بود، یاد نمی رود که روزی، ما از مردم خواستیم که برای پاکسازی هوای تهران اتومبیل هایشان را بیرون نیاورند و حتماً یک هفته درباره این موضوع با مردم حرف زدیم و در روز موعود دیدیم که واقعاً مردم ماشین هایشان را بیرون نیاوردند و این مسئله در روزنامه های آن موقع در تیر و عکس صفحه اول مطرح شد. در زمانی دیگر، نودیکه های نوروز، شهر را تمیز کردیم و در روز

دیگری که آن را روز سلامتی نامگذاری کردیم همه مردم، صبح با لباس ورزشی به سطح شهر آمدند و ورزش کردند و از این قبیل برنامه ها که بسیار زیادند.

○ فکر می کنید اگر الان، برنامه ای با همین مضامین، اما با ساختار مناسب امروز، در رادیو ساخته شود، مردم استقبال می کنند؟

□ این کارها مربوط به آن زمان بود که تنها یک شبکه سراسری داشتیم. الان مخاطبان در بیس شبکه ها تقسیم شده اند و هر کس بر اساس علاقه خودش، رادیوی خاصی را گوش می دهد. نکته دیگر هم این است که چون از این نوع برنامه ها زیاد ساخته شد و متأسفانه خوب هم ساخته نشد، برنامه اثر خودش را از دست داد، ولی اگر یک رادیوی محلی باشد فکر می کنم می تواند موفق باشد. البته باید فکر کرد و شکل و فرم تازه ای برایش طراحی نمود. باید فرم های جدید و شکل های تازه را تجربه کرد.

○ راجع به کسانی صحبت کنید که به نوعی در سلام صبح بخیر با شما همکاری داشتند.

□ خیلی ها بودند؛ نویسندگان و گویندگان مختلفی داشتیم. در زمانی آقای اصغر توسلی کار کردند؛ در مقامی آقای نورشاهی آمدند و در یک ماه رمضان آقای شجاعی مهر برنامه را اجرا کردند؛ آقای شهرپاری که در واقع پای ثابت برنامه بودند با آقای نوری از همکاران مؤثر ما بودند. بچه های صدایدار که به دلیل ریتم تند برنامه کار حساسی داشتند. آقای رحمانی، آقای نصیری پور، آقای مرضی خسرو نژاد و آقای صادق عبدالهی نویسندگان برنامه بودند. آقای داوود بهشتی که از همکاران ثابت

می آمدند و این بخش برنامه را بدون هیچ چشم داشتی اجرا می کردند. البته در فرصت هایی با شیوه های رادیو از ایشان قدر دانی شد.

○ چرا برنامه قطع شد؟

□ برنامه قطع نشد! شاید به نوعی ععرش تمام شد. چون برای من کاری پیش آمد و من مجبور شدم مدتی در تهران نباشم و بعد از آن، به برنامه ای تبدیل شد که عشق، پشتش نبود، شاید این حرف حمل بر خودخواهی باشد ولی من این طور فکر می کنم، برنامه مرتب تغییر می کرد؛ افراد مختلف می آمدند و می رفتند و بالاخره برنامه به یک کار اداری تبدیل شد که روح و نشاط نداشت؛ نمی شود که بدون روح و انرژی به مردم گفت که «صبح یا نشاطی داشته باشید» و یا نمی شود فضای پرتیزی را بدون اعتقاد به آن برای شنونده توصیف کرد، برنامه مصنوعی می شود؛ حرف بی اثر می شود و لذا بالاخره این برنامه به برنامه های دیگری تبدیل شد. مثل برنامه صبح، کار، زندگی که با شکل دیگری تهیه می شد، این برنامه را آقای محمد صالح علاء می نوشتند و خود من گویندگی می کردم ولی چون برنامه تکراریک کار تجربه شده بود، جواب نداد.

□ ما فکر کردیم که در آن ساعت از روز که مردم در حال تردد در سطح شهر هستند، خوب است که از اخبار ترافیکی مسیرهای عبوری خود خبر داشته باشند. به همین دلیل از طریق مرکز پیام راهنمایی و رانندگی ارتباط آن مرکز با آقای «برهنک» از گراوه (که بعدها تیمسار شدند) اخبار ترافیکی را در عرض همان سی دقیقه به اطلاع مردم می رساندیم. این تجربه برای اولین بار پس از انقلاب اتفاق افتاد. شخصیت آقای زرگران، یعنی سواد و کلام نافذ ایشان در جدلیت این بخش بسیار مؤثر بود. ایشان هر روز صبح به استودیو

دقیقه ای بود، هفته ای یک بار می آمد و درباره علم و زندگی صحبت می کرد. آقای افشاریه از واحد دویلاژ می آمدند و خبرهای شیدنی روی تلکس با مدادی را اجرا می کردند و آقای زرگران هم درباره مسائل مختلف ترافیکی صحبت می کردند.

○ فکر اخبار ترافیکی چه طور به برنامه وارد شد؟

□ در بعضی برنامه ها

ساختار مهم است و در

بعضی برنامه های دیگر

قالب. در هر برنامه فرق

می کند. بعضی از برنامه ها

هم فرم مشخص دارند؛

یعنی در یک برنامه ممکن

است گوینده محور باشد و

باید داشتن گوینده برنامه

لخت و عریان شود و در

بعضی برنامه ها هم تهیه

کننده این چنین باشد.

□ ما فکر کردیم که در آن ساعت از

روز که مردم در حال تردد در سطح شهر

هستند، خوب است که از اخبار ترافیکی

مسیرهای عبوری خود خبر داشته

باشند. به همین دلیل از طریق مرکز پیام

راهنمایی و رانندگی ارتباط آن مرکز با

آقای «برهنک» از گراوه (که بعدها

تیمسار شدند) اخبار ترافیکی را در

عرض همان سی دقیقه به اطلاع مردم

می رساندیم. این تجربه برای اولین بار

پس از انقلاب اتفاق افتاد. شخصیت

آقای زرگران، یعنی سواد و کلام نافذ

ایشان در جدلیت این بخش بسیار مؤثر

بود. ایشان هر روز صبح به استودیو

برنامه و آقای پورمحمدی مدیر گروه و مدیر مستقیم برنامه بودند و کار سردبیری برنامه هم با خود من بود در اواخر برنامه آقای حسین سلیمی و آقای نعمتی، به ترتیب مدیر گروه بودند.

○ آقایانی که می آمدند، آیا فکری

هم با خودشان می آوردند و یا در همان

چارچوب طراحایی شده

شما کار می کردند؟

□ به هر صورت بدون فکر نبودند و

در همان چارچوب، ایده می دادند و

این طور نبود که همه فکرها مال

من باشد، ما فرمولی را پیاده کرده بودیم

و همه به هم کمک می کردند.

○ موضوعات را چگونه انتخاب

می کردید؟ آیا می شد که موضوعی را

پیدا کنید و مدتی درباره آن کار کنید

و بعد متوجه شوید که مناسب نیست؟

□ به چندین بار این اتفاق افتاد. ما

موضوعات را در اواسط یا اواخر هفته با

آقای پورمحمدی مطرح می کردیم.

دوستان دیگر هم بودند، همه پیشنهاد

می دادیم، بعد موضوع را انتخاب

می کردیم. بعضی از موضوعات کشش

داشت که تا آخر هفته درباره آن کار

بکنیم ولی بعضی از آنها کشش نداشت؛

مثلا نصیحت و تندرز و حرف های

سیک و سطحی که حتی خودمان هم با

آن ارتباطی برقرار نمی کردیم و

می فهمیدیم که دیگران هم با آن ارتباط

خوبی برقرار نکرده اند.

○ آیا آیتی وجود داشت که آن را

طراحی کنید و بعد متوجه شوید که

مناسب نیست؟

□ نه، آیتها هم این طور نبود، همه

آیتها مناسب صبح بود و افراد متفاوتی

بودند که در آیتها به ما کمک

می کردند؛ مثلا آقای میرفخرایی در

دوره دوم برنامه که چهل و پنج

آن را تصحیح می‌کردیم. آقای خسروزاد مأموریت داشت در یک اتاق درسته بنشیند و برنامه را گوش کند و اشکالات ما را به ما بگوید، کجا ریتم تند بود، کجا حرف بد بود... و به خاطر ارتباط روحی و عاطفی ما با همدیگر، این برنامه بسیار تأثیر گذار بود.

○ **پاره‌ها شما گزارش‌های آقای شهرپاری خوب بود؟**
 بله، ایشان بسیار گزارشگر خوبی بود. ایشان همیشه در حال پیدا کردن نقاط ضعف خودش بود و آنها را برطرف می‌کرد و به همین دلیل روز به روز پیشرفت می‌کرد و همان چیزی بود که ما می‌خواستیم. البته در کار گزارش عمدتاً آقای شهرپاری بودند ولی مدتی هم آقای «نقده» ما را یاری کردند.

○ **گزارش‌ها چه ویژگی‌هایی داشتند که شما آنها را می‌پسندیدید؟**
 در گزارش‌ها تریزی و حیات، صمیمیت، زندگی و نشاط بود، چون اساساً آقای شهرپاری روحیه مثبتی دارن و صبح که از منزل خارج می‌شد و با یوسیم یا ما تماس می‌گرفت، همه چیز را خوب توصیف می‌کرد و به ما که در استودیوی در بسته بودیم بسیار نشاط می‌داد و حس و حال درون مردم بودن را به ما منتقل می‌کرد. با مردم خوب ارتباط برقرار می‌کرد. گفت و گوهاش خوب بود.

○ **فکر می‌کنید اگر به جای این دوستان - که همه را خوب توصیف می‌کنید - کسان دیگری بودند و با شما در این برنامه کار می‌کردند، شرایط برنامه از آن چیزی که بود و سال‌ها مردم از آن استقبال کردند، متفاوت می‌شد؟**

بله طبیعتاً، همه ما به هم کمک می‌کردیم. شخصیت همه آدم‌ها در این

برنامه دخالت داشت و علت موفقیت برنامه هم همین بود.

○ **شما از هیچ برنامه دیگری ایده نگرفتید؟**

خیر، این برنامه، پیش از آن اصلاً تجربه نشده بود.

○ **در آن زمان عده‌ای از کارکنان قدیمی تر رادیو بودند که به این برنامه و به خصوص به شیوه گویندگی شما - که گاهی اوقات شبیه فریاد می‌شد - انتقاد می‌کردند. شما با آنها مشکلی نداشتید؟**

نه، به نظر من آن برنامه باید آن طور اجرا می‌شد و جواب هم می‌داد. من همانی بودم که بودم. اصلاً دست‌خودم نبود که آن طور برنامه را اجرا می‌کردم. تمام قواعد قبلی شکسته شد و بعد دیدیم که بسیار خوب جواب داد و همه قدیمی‌ها بعد از مدتی با کار ما موافقت کردند.

○ **اعتراض‌ها و انتقادهایی که آنها به شما می‌کردند به شما منتقل می‌شد؟**
 بله، ولی اگر راجع به آنها حرف نزنیم بهتر است.

○ **خوب خیلی کلی بگویید.**

من سعی می‌کردم که با آنها ارتباط برقرار نکنم. طوری رفت و آمد می‌کردم که با آنها روی‌رو نشوم و بجزورتیاشم که به آنها توضیح بدهم. فکر می‌کنم اگر قرار بود من با نظر دیگران خودم را وقت بدهم، برنامه چیزی نبود که الان «دریوم» دوباره‌اش حرف می‌زنیم.

○ **پس شما معتقدید که برنامه خوبی بود و به نوعی دچار دیکتاتوری شخصی بودید؟**

نه، من دوست نداشتم خودم بسته کار کنم و در عین حال دوست هم نداشتم کارهای تجربه شده قدیم

را تکرار کنم و می‌دانستم که دوستان قدیمی‌تر من را به آن سو هدایت خواهند داد. البته در بعضی از برنامه‌ها همان شیوه‌های قدیمی جواب می‌دهد اما ما داریم راجع به برنامه‌های صحبت می‌کنیم که باید شیوه‌های نوینی را تجربه می‌کرد. بعضی برنامه‌ها قابلیت تغییر را دارند؛ مثل برنامه‌های صبح رادیو، اما بعضی از برنامه‌ها راباید با همان سبک قدیم ساخت؛ مثل برنامه «راه شب».

○ **اما شما برنامه‌های دیگری مثل راه شب را ساختید و تقریباً همین شیوه را به آنها هم بردید؟**

فکر می‌کنم در آن برنامه‌ها هم جواب می‌داد؛ مثلاً در برنامه راه شب که آقای شیشه‌گسران مدیر آن شدند، برنامه هر شب را به تعدادی از افراد سپردند و جمعه شب‌ها را به ما؛ یعنی: من، آقای صالح علاء، آقای شهرپاری و دوستان دیگر. باز هم راجع به راه‌ها و به همراهی پلیس راه حرف می‌زدیم، راجع به رانندگی در شب صحبت می‌کردیم و به موضوعات دیگری مثل سینما و هنر و ادب و غیره می‌پرداختیم.

○ **وقتی که شما شروع به ساختن این پرسنل‌های نو کردید، بیشتر مخالفت‌هایی که با شما می‌شد از جانب چه کسانی بود؟ همکاران، مدیران یا مردم؟**

مردم هیچ مخالفتی نمی‌کردند. مردم اتفاقات تازه را دوست دارند. اما بخشی از مخالفت‌ها را مدیران و بخش دیگری را هم همکاران می‌کردند.

○ **نگرانی مدیران از چه بود؟**

نوع انتخاب موسیقی که البته موسیقی‌هایی که آن موقع بخش می‌شد با موسیقی‌هایی که الان دارد

دیگر جواب نمی‌دهد و کسل‌کننده هستند. متن‌ها تکراری است، حرف‌ها کم تأثیر بی‌جان است و نیاز به فکر و انرژی تازه دارد.

○ به نظر شما، در حال حاضر، بیشتر اشکالات رادیو در چیست؟ در متن است، گویندگی است یا در تهیه‌کنندگی؟

□ من فکر می‌کنم اگر تهیه خوبی انجام شود بقیه مشکلات حل می‌شود، چون این تهیه کننده است که متن و گوینده را انتخاب می‌کند.

○ به نسبت هشت شبکه رادیویی، گوینده‌های خوبی داریم؟

□ به نسبت هشت شبکه، گوینده خوب کم داریم.

○ شما کدام یک از گویندگان



قدیمی را بیشتر دوست داشتید؟

□ در برنامه‌های ادبی گوینده خوب‌مان آقای امیر نوری است. خاتم بهروان و خاتم صادقیان هستند. اسماعیل میرفخرایی، مصاحبه‌گر خوبی است و من خودم صدای نصرت اکبری را در گویندگی خیلی دوست دارم.

○ از گوینده‌های جدید چه کسانی را دوست دارید؟

□ خیلی از مواقع که رادیو گوش

○ چگونه شما را تشویق می‌کردند؟

□ بیشتر با نامه‌های تشویقی اداری و یک سفر تشویقی.

○ آیا انتقال شما به تلویزیون به درخواست خود شما بود؟

□ بله، من دوستی داشتم به نام آقای حسین سلیمی که در مقطعی، مدیر گروه اجتماعی بودند. ایشان در شبکه ۲

سپه‌ا که بودند مرا دعوت به کار کردند و من هم فکر کردم کار تازه‌ای است و برای همین سعی خودم را کردم و به آنجا رفتم و البته تجربه رادیویی من در برنامه سازی تلویزیونی بسیار مؤثر بود.

اولین کارم برنامه‌ای بود به نام تاهشت و نیمه و تقریباً همه همکاران تجربه رادیویی داشتند و این باعث شد که آن کار هم کار موفقی بشود. بعدها فهمیدم چقدر خوب است که آدم مدتی تلویزیونی باشد و بعد به رادیو برگردد، زیرا آن وقت بسیار خوب می‌شود کار کرد.

○ چرا شرایطی فراهم نشده است که شما در کنار کارهای تلویزیونی باز هم در رادیو فعالیت مستمری داشته باشید؟

□ نمی‌دانم، خودم دوست دارم که این کار را بکنم. چون سال‌ها تجربه در رادیو و تلویزیون آسان به دست نیامده است و الان می‌شود با این تجربه‌ها، چه در رادیو و چه در تلویزیون خیلی‌ها را آموزش و کارهای بهتری انجام داد. به نظر من رادیو باید کدام در حال انجام فکرهای تازه باشد و از موضوعات تازه استقبال کند. باید قالب را عوض کرد.

○ رادیو، الان چه وضعیتی دارد؟ هنوز در قالب‌های کهنه است. در حالی که بعضی از قالب‌های کهنه،

پخش می‌شود، زمین تا آسمان فرق دارد. الان دست تهیه کننده‌ها خیلی باز است. بارها و بارها به خاطر بعضی از سرودها و موسیقی‌ها جریمه و توبیخ شدم و بعد از مدتی همه آن موسیقی‌ها آزاد شد و همه از آن استفاده کردند. با مثلاً یک موضوعی را گفتیم و بعد گفتند چرا گفتید و بعداً کسان دیگری به همان موضوع مفصل‌تر پرداختند. با مثلاً استفاده از بعضی ترکیب‌های نویاعت توبیخ ما شد. اینها خیلی مشکل ایجاد می‌کرد. آن موقع بسیار کار حساس بود اما الان دست باز است.

○ مخالفت همکاران بیشتر چه بود؟

□ اگر بعضی از همکاران انتقاد می‌کردند به دلیل رعایت نکردن قواعد برنامه‌سازی رادیویی بود. مثلاً نوع گویندگی، نوع خوانندگی شعر، نوع ترکیبات شکل دهنده برنامه، مثلاً بین دو تلفن افکت پخش می‌شد. اینها چیزهایی بود که می‌گفتند گوش‌نواز نیست، در حالی که مردم می‌شنیدند و استقبال می‌کردند. وقتی ما خودمان با این ترکیبات ارتباط خوبی برقرار می‌کردیم، بسیار طبیعی بود که شنوندگان ما هم از آن ترکیب راضی باشند.

○ آیا هیچ وقت تشویق شدید؟

□ بله، بسیار زیاد. همان طور که بسیار توبیخ شدم، بسیار هم تشویق شدم. از طرف ریاست سازمان در سال‌های پخش برنامه سلام صبح بخیر، از طرف مدیر رادیو، از طرف نخست‌وزیر و سایر وزراء و از طرف خیلی‌های دیگر. ما در خیلی از برنامه‌ها، به وزارت خانه‌ها بسیار کمک کردیم و به خصوص در مناسبت‌های مختلف؛ مثلاً در زمان جنگ، برای ایجاد فضای لازم در جنگ بسیار فعالیت کردیم.

می‌کنم غلظتی را احساس نمی‌کنم. عیب عمده گویندگان جدید این است که فکر می‌کنند باید الگو باشند. خودم بسیاری از گویندگان را الگوی خودم قرار می‌دهم و در مدت خواندن مطالب از آنها الگو می‌گیرم. ولی گویندگان جدید از بعضی از گویندگان قدیمی که چندین هم گویندگی خوبی ندارند، الگو برداری می‌کنند و در نتیجه بسیاری از صداها شبیه هم می‌شود که نتیجه آن، گویندگی نه چندگان خوب بعضی از گوینده‌هاست.

○ این اشکال در تهیه کنندگی هم وجود دارد؟

□ دقیقاً نمی‌دانم. ولی اشکال عمده، این روش بزرگ شدن ناگهانی رادیویست که هشت شبکه پدید آمده و به گوینده‌های فراوانی نیاز دارد. برای خود ما که کلاس درس و اسنادی برای این کار نداشتیم این بزرگ شدن رادیو عجیب است، زیرا در بین گویندگان، کسانی را که به رادیو عشق داشته باشند، کمتر می‌بینیم. در گذشته، افرادی وارد رادیو می‌شدند که عشق و علاقه فراوانی به رادیو داشته باشند.

○ شما کار در رادیو را چگونه شروع کردید؟

□ از بدو ورود به رادیو، نمایش نامه تنظیم می‌کردم و بی‌سه صورت چندصدایی اجرا می‌کردم. بعد از این که مشخص شد که استعداد کار دارم در برنامه‌هایی مثل برنامه جوانان، کودک و ... به کار پرداختم و به تدریج در نمایش نامه سازی و ... به من میدان می‌دادند. ولی الان، به دلیل کمبود نیروی متخصص، هر کس که وارد شود بیست میکروفن می‌نشیند و شروع به گویندگی می‌کند.

○ به نظر شما این کار بد است؟

□ در حالت ناچاری که الان داریم بد نیست. ولی در گذشته صداها مانده‌گار و صدای جذاب، حاکی از عشق و علاقه افراد به رادیو بود و این منجر به موفقیت می‌شد زیرا فرد، کار را به سستی به دست آورده بود.

○ در آن زمان که دانشگاه و مرکز آموزشی نبوده، شما چگونه کار با رادیو را یاد گرفتید؟

□ حسی و از طریق گوش کردن. در آن زمان میکروفن را به راحتی در اختیار کسی قرار نمی‌دادند.

○ آیا می‌توان کار رادیویی را در یک مرکز آموزشی یا دانشگاه تدریس کرد؟

□ بعضی از تخصص آن را می‌توان تدریس کرد. دانشگاه فردا کارشناس می‌کند، نه هنرمند.

○ آیا می‌توان برای کارهای رادیویی، حدی داشت که فرد در مدت زمان معینی همه قسمت‌ها و کارهای آن را تجربه کند و به بالاترین حدش برسد؟

□ خیر باید در برنامه‌های دنبال سلف و حد گشت که مخترا نداشته باشند.

○ از نظر ساختار و قالب چه طور؟

□ در بعضی از برنامه‌ها ساختار مهم است و در بعضی برنامه‌های دیگر قالب. در هر برنامه فرق می‌کند. بعضی از برنامه‌ها هم فرم مشخص دارند؛ یعنی در یک برنامه ممکن است گوینده‌مخبر باشد و یا برداشتن گوینده، برنامه لخت و عریان شود و در بعضی تهیه کننده.

○ شما طرحی داشتید که در رادیو اجرا نشود؟

□ بله، چندتایی که فرصت اجرا نداشتند.

○ به نظر شما وجود هشت شبکه

رادیویی در کشور ما لازم است؟

□ اگر همه پرمحتوا باشند بله و در غیر این صورت خیر. البته اگر رادیویی تخصصی داشته باشیم و مردم بتوانند انتخاب کنند خوب است.

○ چرا مردم تهران از رادیو پیام بیشتر استفاده می‌کنند؟

□ چون به نیازمندی‌های آنها پاسخ می‌دهد. با پخش اخبار، اخبار ترافیک و موسیقی، مردم را سرگرم می‌کند و همین امر موجب جذب شنونده‌های بیشتر به این شبکه شده است.

○ آیا دلیل دیگری هم دارد؟

□ اطلاعات روز را می‌دهد.

○ آیا شیوه خاص برنامه سازی در این شبکه، دلیل جذب مخاطب نیست؟

□ نه، این شبکه اصلاً شیوه خاصی برای برنامه سازی ندارد و از ساده‌ترین شیوه استفاده می‌کند. من خودم در این شبکه، هم برنامه سازی کرده‌ام و هم گویندگی.

○ چرا برنامه سازی ندارد؟

□ به دلیل انعکاس نیازمندی‌های مردم شهر تهران و پخش موسیقی.

○ یعنی اگر شبکه‌های دیگر هم موسیقی بیشتری پخش کنند، یا ایال

مخاطبان مواجه می‌شوند؟

□ قطعاً.

○ یعنی همان دیدگاهی که قبل از انقلاب می‌گفت، حداقل ۶۰ درصد

موسیقی و ۴۰ درصد برنامه‌های دیگر برآ شما می‌پذیرد؟

□ بله.

